

## بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی در گروهی از دانشجویان متأهل در دانشگاه شیراز

### The Important Factors of Marital Conflict Between Married Students in Shiraz University

S. Samani, Ph.D.

دکتر سیامک سامانی

استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

The aim of this research was to determine the main factors involved in marital conflicts. Couples were selected randomly. To determine the main factors involved in marital conflict, a likert type scale was used. This scale includes 5 demographic items and 19 questions about the important factors of conflict between spouses. The results of this study revealed that the first six important factors of marital conflict are personality traits, love and affection, communication skills, commitment, family background, and refinement.

The findings of this research showed that there are two general factors for marital conflict: family processes and family contents.

Also the results showed that the most frequently reported marital conflicts were those related to family processes.

**Key Words:** Marital conflicts, Family processes, Family resilience.

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی عمده‌ترین عوامل ایجادکننده درگیری‌های زناشویی بود. گروه نمونه این مطالعه شامل ۴۰۰ زن و مرد متأهل بود (۲۰۰ مرد و ۲۰۰ زن). به منظور گردآوری اطلاعات از یک مقیاس مدرج هفت نمره‌ای استفاده شد. این مقیاس شامل ۵ سؤال در مورد ویژگی‌های فردی و خانوادگی و ۱۹ سؤال در مورد عمده‌ترین عوامل درگیری‌های زناشویی بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شش عامل خصوصیات شخصیتی، عشق و علاقه، مهارت‌های ارتباطی، تعهد به زندگی، خصوصیات خانوادگی همسر و عدم پایبندی به اصول اخلاقی عمده‌ترین عوامل ایجاد درگیری میان همسران می‌باشند.

همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که دو عامل کلی درگیری میان همسران فرآیندها و محتوای خانواده می‌باشند که در این میان عامل فرآیندها به‌طور عمده‌تری میان همسران ایجاد درگیری می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** درگیری‌های زناشویی، فرآیندهای خانوادگی، ارتجاع خانوادگی

Corresponding author: Dept. Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
Tel: +9821-6278687  
Fax: +98711-6276441  
Email: samani@shirazu.ac.ir

نویسنده مسئول: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، بخش روان‌شناسی تربیتی  
تلفن: ۰۲۱-۶۲۷۸۶۸۷ دورنما: ۰۷۱۱-۶۲۷۶۴۴۱  
پست الکترونیک: samani@shirazu.ac.ir

## تعیین عوامل مؤثر در شادکامی همسران کارکنان شرکت فولاد مبارکه

### Predicting Factors of Happiness in Wives of Mobarekeh Steel Company Personnel

H. T. Neshat-Doost, Ph.D. ✉

H. A. Mehrabi

M. Kalantari, Ph.D.

H. Palahang

I. Soltani, Ph.D.

دکتر حمیدطاہر نشاطدوست ✉

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

حسینعلی مہرابی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر مہرداد کلانتری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

حسن پالانگ

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر ایرج سلطانی

استادیار گروه مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

The important impact of happiness on the well-being, physical health, work productivity, and social interaction has received a considerable research. Gender differences on the source of happiness has been emphasized. the purpose of this study was to determine the predicting factors of happiness among wives of Mobarekeh Steel Co-mpany personnel. Subjects were 389 wives of personnel who were rand-omly selected from Mobarekeh Steel Comp- any.

Oxford Happiness Questionnaire and a demographic questionnaire, were used to collect data.

A significant positive relationship was found between happiness and marital satisfaction, optimism, husband happiness, attending religious events, deep faith in God, traveling, television watching, artistic activities, life satisfaction, and physical exercise.

✉Correspornding author: Dept. of Psychology,  
Isfahan University, Isfahan, Iran.  
Tel: +98311-7932500  
Fax: +98311-663107  
Email: h.neshat@edu.ui.ac.ir

#### چکیده:

اهمیت نقش شادی در بهداشت روانی، سلامت جسمانی، کارآمدی، بهره‌وری و مشارکت اجتماعی موجب افزایش توجه محققان حوزه‌های روان‌شناختی، علوم زیستی و علوم اجتماعی به عوامل مؤثر بر شادی شده است. تحقیقات تفاوت‌هایی را در مورد میزان و منابع شادکامی زنان و مردان نشان داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، تعیین سهم عوامل مؤثر در شادکامی همسران کارکنان شرکت فولاد مبارکه بود. نمونه تحقیق شامل ۳۸۹ نفر بود که به شیوه تصادفی از بین همسران کارکنان این شرکت انتخاب شدند. ابزارهای تحقیق شامل پرسشنامه شادکامی آکسفورد و پرسشنامه ویژگی‌های فردی، شغلی و خانوادگی بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد شادکامی در نمونه مورد بررسی با رضایت زناشویی، خوش‌بینی، شادکامی شوهران، حضور در اماکن مذهبی، ایمان قلبی به خدا، تعداد مسافرت سالانه، میزان تماشای تلویزیون، میزان فعالیت هنری، رضایت از زندگی و میزان ورزش هفتگی ارتباط معنادار مثبت و باسابقه بیماری عصبی، سابقه مراجعه به مشاور، سابقه بیماری جسمانی، ارتباط معنادار منفی دارد ( $P < 0.05$ ).

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خیابان هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۰۰ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۳۱۰۷  
پست الکترونیکی: email: h.neshat@edu.ui.ac.ir

Psycho-logical problems, and history of having physical illnesses showed a significant negative correlation with happiness ( $P < 0.01$ ).

The results of stepwise regression showed that in total, seven variables of marital satisfaction, optimism, husband happiness, television watching, history of psychiatric disorders, attending religious events and travel significantly predicted 57% of happiness variance. These findings emphasize the importance of family, increasing the family satisfaction, optimism, providing psychological support, providing religious-spiritual atmosphere, and recreational facilities as effective factors to improve feeling of happiness.

**Key words:** Happiness, marital satisfaction, happiness, optimism.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داد که هفت متغیر رضایت زناشویی، خوش‌بینی، شادکامی شوهر، تماشای تلویزیون، سابقه بیماری عصبی، حضور در اماکن مذهبی و میزان مسافرت‌های غیرکاری در مجموع ۵۷٪ شادکامی زنان نمونه مورد بررسی را به‌طور معناداری تبیین می‌کند ( $P < 0.05$ ). به‌طور کلی این نتایج بر توجه به اهمیت خانواده و افزایش رضایت زناشویی، خوش‌بینی، ارائه خدمات روان‌شناختی، گسترش فضای معنوی و تسهیلات تفریحی به عنوان عوامل مؤثر در شادی تأکید دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شادی، شادکامی، رضایت زناشویی و خوش‌بینی

## مقایسه اثربخشی مداخله متمرکز بر هیجان به شیوه زوجی و فردی بر کاهش درماندگی رابطه زوجین دارای فرزند با بیماری مزمن

### Comparing Effectiveness of Individual and Marital Emotionally Focused Intervention Based on Decreasing Relationship Distress of Couples With Chronically Ill Children

R. Rasoli, Ph.D. ✉

A. Etemadi, Ph.D.

A. Shafiabadi, Ph.D.

A. Delavar, Ph.D.

دکتر رؤیا رسولی ✉

استادیار دانشگاه یزد

دکتر احمد اعتمادی

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر عبدالله شفیق‌آبادی

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر علی دلاور

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of emotionally focused therapy (EFT) with marital and individual method in decreasing relationship distress of couples with chronically ill children. Participants were parents 60 (36 females) who had at least a child suffering from chronic illness. They were selected randomly and assigned in 3 groups. Two experimental groups received EFT in two forms of marital or individual; control group remained with no intervention. All participants completed Dayadic Adjustment Scale (DAS). Analysis of variance followed by t-tests revealed significant difference between control and experimental groups, indicating effectiveness of EFT in experimental groups.

چکیده:

این پژوهش به منظور بررسی میزان اثربخشی مداخله متمرکز بر هیجان (به شیوه زوجی و فردی) بر کاهش درماندگی رابطه زوج‌های دارای فرزند با بیماری مزمن انجام شد. نمونه شامل ۶۰ نفر است (۳۶ زن و ۲۴ شوهر) که با اجرای آزمون (DAS) انتخاب و با جایگزینی تصادفی در دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل قرار گرفتند. سپس مداخله متمرکز بر هیجان به شیوه زوجی و به شیوه فردی در مورد گروه‌های آزمایش اجرا شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش‌های آماری تحلیل واریانس، تعقیبی شفه و  $t$  مستقل در سطح  $0/05$  و  $0/01$  استفاده شد. نتایج نشان داد درمان به صورت معناداری اثربخش بود و توانست درماندگی رابطه را در زنان و شوهران به شیوه فردی و نیز به شیوه زوجی کاهش دهد. همچنین این درمان توانست رضامندی، همبستگی، توافق و ابراز محبت زناشویی را در زنان و شوهران به شیوه فردی و نیز به شیوه زوجی افزایش دهد. به علاوه اثر بخشی درمان با اجرای فردی (فقط زن) و با اجرای زوجی (زن و شوهر) تفاوت معناداری نداشت و در هر دو شیوه به یک میزان اثربخش بود.

**کلیدواژه‌ها:** مداخله متمرکز بر هیجان، درماندگی رابطه، فرزند با بیماری مزمن، زوج درمانی، درمان فردی

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Yazd University University, Yazd, Iran.  
Tel: +98351-8210250  
Fax: +98351-8210310  
Email: r\_rasooli5@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: دانشگاه یزد - مجتمع علوم انسانی - گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی  
تلفن: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۲۵۰ دورنما: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۳۱۰  
پست الکترونیک: email: r\_rasooli5@yahoo.com

## مشکلات و نیازهای مادران کودکان مبتلا به اختلالات اتیستیک: یک پژوهش کیفی

### Need Assessment of Mothers With Autistic Children

N. Chimeh, Ph.D.✉

H. Pouretamad, Ph.D.

R. Khoram Abadi

دکتر نرگس چیمه✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

استادیار گروه روان‌شناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

راضیه خرم‌آبادی

دانشجوی خانواده درمانی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

#### چکیده:

Autism disorder with a prevalence of 5 cases per 10,000 is very stressful for parents. This study evaluates psychological needs of mothers of autistic children. Thirteen mothers from two rehabilitation and education center for autistic children were interviewed. Answers were coded and organized. Almost all of them reacted to disorder with denial, confusion, anger and depression. Some of the mothers due to presence of physical and behavioral problems, or having similar cases in relatives, reacted more adaptive. They believed education and support by doctors who diagnose the disorder could decrease their suffering. They also reported some other stresses such as stigmatization, blaming mothers as being responsible for disorder, comparing affected child with others, and ambivalency about efficacy for education and rehabilitation of their child which leads to problems in their family and social performance and depression. In conclusion, it seems

اختلالات اتیستیک با شیوع ۵ مورد در ۱۰ هزار، استرس بالایی را به والدین وارد می‌کند. پژوهش حاضر برای بررسی مشکلات و نیازهای روانی مادران کودکان مبتلا به اختلالات اتیستیک انجام شده است. این پژوهش به روش کیفی و به وسیله مصاحبه ژرف‌نگر (In-depth interview) با ۱۳ نفر از مادران مراجعه‌کننده به دو مرکز آموزش و توانبخشی کودکان مبتلا به طیف اختلالات اتیستیک انجام شد. پاسخ‌های مادران ثبت و سپس براساس سؤالات پژوهش کدبندی و جمع‌بندی شد. یافته‌ها نشان دادند، اکثر مادران به هنگام تشخیص اختلال اتیسم دچار واکنش انکار، سردرگمی، خشم و افسردگی شده‌اند. برخی از مادران به دلیل وجود بعضی مشکلات جسمی و رفتاری کودک یا داشتن موارد مشابه در اطرافیان واکنش خفیف‌تری داشتند.

اکثر مادران معتقد بودند که آموزش و حمایت توسط پزشک تشخیص‌دهنده می‌تواند نقش مهمی در کاهش مشکلات آن‌ها داشته باشد. اکثر مادران به مشکلات دیگری شامل برچسب خوردن کودک و خانواده، مقصر دانستن مادر در شکل‌گیری اختلال مقایسه کودک مبتلا با کودکان عادی و تردید در تأثیر برنامه‌های آموزشی نیز اشاره کردند که منجر به کاهش روابط اجتماعی و مشکلات خانوادگی شده بود و تمامی موارد علائم افسردگی را تجربه کرده بودند.

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-29902368  
Email: n\_chimeh@sbu.ac.ir

\*نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
پست الکترونیک: email: n\_chimeh@sbu.ac.ir

that health care system staff would provide supplemental assurance and social support.

Education and social support system are very important factors which might be helpful to these mothers.

اکثر مادران معتقد بودند آموزش برای والدین، برای عموم جامعه و برای پزشکان و کارکنان سیستم مراقبت‌های بهداشتی می‌تواند در کاهش مشکلات آن‌ها مؤثر باشد. همچنین پیشنهاد تشکیل گروه‌های خودیار، حمایت بیمه از خدمات توانبخشی کودکان مبتلا و حمایت‌های اجتماعی را داشتند. بررسی نیازهای مادران به هنگام تشخیص اختلال، پس از تشخیص و پذیرش و سازگاری خانواده با اختلال نشان داد که آموزش و سرویس‌های حمایتی نقش مهمی در کاهش مشکلات آن‌ها دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلالات اتیستیک، نیازهای روانی، مادران

## مقایسه سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و خصیصه اضطراب در مادران کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی و سالم

### Comparison of Attachment Style, Personality and Anxiety, in Mothers of Children With Separation Anxiety Disorder and Mothers of Normal Children

M. Zolfaghari Motlagh, Ph.D. ✉

M. A. Jazayeri, Ph.D.

M. A. Mazaheri, Ph.D.

K. Khoshabi, Ph.D.

M. Karimlo, Ph.D.

دکتر مصطفی ذوالفقاری مطلق ✉

روان‌شناس بالینی

دکتر علیرضا جزایری

دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار پژوهشکده خانواده و گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر کتابون خوشابی

استادیار گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

دکتر مسعود کریملو

استادیار گروه آمار دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

The aim of the present research was to investigate the impact of mother characteristics on child separation anxiety and social maturation. This research assumes that attachment, personality, and anxiety in mother are related to child attachment anxiety and social maturity.

To investigate the relationships this study compares two groups of mothers.

This research is a cross-sectional study carried on 60 mothers and their children.

Inventories of Adult attachment scale, MCMI-2, State - Trait Anxiety, Social Maturity Scale and Child Symptom Inventory were used to collect the information.

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های مادر بر اضطراب جدایی و سطح رشد اجتماعی کودک است. فرض اساسی این پژوهش این است که میان ویژگی‌های دلبستگی، شخصیتی و اضطرابی مادر (به‌عنوان عوامل مؤثر بر رفتار مادرانه) با رشد اجتماعی و اضطراب دلبستگی در کودک رابطه وجود دارد. به منظور بررسی این رابطه، ویژگی‌های مادر (سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و خصیصه اضطراب) در دو گروه مادران کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی و مادران کودکان سالم مورد مقایسه قرار گرفت. این پژوهش از نوع مقطعی است و جامعه آماری آن را مادران کودکان مهدهای کودک منطقه ۸ تهران تشکیل می‌دهند. تعداد نمونه شامل ۶۰ مادر و کودک دارای اختلال اضطراب جدایی و سالم می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های مقیاس دلبستگی بزرگسال، پرسشنامه شخصیتی میلون ۲، اضطراب صفت - حالت، مقیاس رشد اجتماعی کودک و ابزار غربالگری اختلال‌های هیجانی کودکان استفاده شد.

✉ Corresponding author: University of Rehabilitation & welfare Sciences, Evin, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-22180045  
Fax: +9821-22180045  
Email: zolfaghari@uswr.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - بلوار دانشجو - خ کودکبار -  
دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی  
تلفن: ۲۲۱۸۰۰۴۵ دورنما: ۲۲۱۸۰۰۴۵  
پست الکترونیک: email: zolfaghari@uswr.ac.ir

The statistical analysis of data is based on t-test, man whitney U, correlation and regression. Results indicated that insecure attachment (anxious-ambivalent), trait anxiety and some of the personality traits of mother could predict separation anxiety and social maturity in children.

**Keywords:** Attachment, personality, Anxiety, Separation anxiety, Social maturity.

داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های t تست یومن ویتنی، همبستگی و تحلیل رگرسیون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل نشانگر آن بود که دلبستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا، خصیصه اضطراب صفت و برخی ویژگی‌های شخصیتی مادر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اضطراب جدایی و سطح رشد اجتماعی کودک باشد.

**کلیدواژه‌ها:** دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی، خصیصه اضطراب، اضطراب جدایی، رشد اجتماعی کودک



## رابطه ناخواسته بودن تولد کودکان و مشکلات رفتاری و خانوادگی آنها

### Family and Behavioural Problems of Unwanted Children

Gh. Malekkhosravi

A. Zadeh Mohammadi, Ph.D. ✉

غفار ملک خسروی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

دکتر علی زاده محمدی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

Being unwanted child can impact child normal development due to the social, economic, and cultural conditions. These children are more probably at risk of neglect, abuse, and misbehavior. On the other hand, an unwanted child can be a source of challenge for parents which may disturb the family atmosphere and in turn affect them.

Method: 428 children were selected through cluster random sampling from elementary schools in Tehran. They were divided into subgroups; wanted and unwanted according to mothers' report. A demographic questionnaire, Family Assessment Device (FAD), and Conners inventory Parent Form were completed.

Scores of behavior problems and family functioning were compared in subgroups using T- test.

Findings: higher scores in behavior problems and lower family functioning were related significantly to unwantedness of children. Conclusion:

ناخواسته بودن فرزند با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از عواملی است که می‌تواند بر سیر رشد طبیعی کودک تأثیر گذاشته، مشکلاتی را به بار آورد. برای کودک ناخواسته احتمال بیشتری وجود دارد که در معرض سوءاستفاده، سوءرفتار، غفلت و کودک آزاری قرار گیرد. این مسئله می‌تواند به عنوان عاملی در جهت شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی ناهنجار تلقی شود و کودکان را به سوی مشکلات رفتاری و اجتماعی سوق دهد. در این پژوهش تلاش شده که این تأثیرات مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش از نوع پس رویدادی است. جامعه پژوهش خانواده‌های کودکان ۶ تا ۱۳ ساله شهر تهران است که گروه نمونه (۴۲۸ نفر) از کودکان دبستانی شهر تهران به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار سنجش شامل پرسشنامه فردی و خانوادگی، ابزار سنجش خانواده و پرسشنامه کانرز فرم والدین بود که توسط مادران کودکان تکمیل می‌شد. تأثیر خواسته و ناخواسته بودن کودکان بر میزان مشکلات رفتاری آنها و نیز کارکرد خانواده‌های-شان توسط آزمون t بررسی گردید.

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Tel: +98261-22431814

Fax: +9821-29902368

Email: dr\_zadeh@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده

خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸

پست الکترونیک: email: dr\_zadeh@sbu.ac.ir

These findings support some previous studies. It seems that providing child birth control education and behavior treatment and social problem solving would be very helpful. In addition, parent training focusing on prevention of mistimed contraception would reduce relevant problems associated with unwanted child birth.

**Keywords:** children behavior problems, unwanted child, unwantedness, family functioning.

یافته‌ها حاکی از آن است که در کودکانی که توسط مادران ناخواسته ارزیابی شدند نسبت به کودکانی که خواسته ارزیابی شدند مشکلات رفتاری بیشتر ( $p=0/031$ ) و کارکرد خانواده پایین‌تر ( $p=0/004$ ) بود. نتایج پژوهش بیشتر پژوهش‌های قبلی را تأیید می‌کند. ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری و درمان مشکلات رفتاری و اجتماعی کودکان، مانند آموزش والدین و برنامه‌های مؤثرتر برای جلوگیری از حاملگی‌های بی‌موقع برای کاهش مشکلات مرتبط با ناخواسته بودن ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** مشکلات رفتاری کودکان، ناخواسته بودن فرزندان، کودک ناخواسته، کارکرد خانواده

## بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان

### Divorce Incidence Factors in Falavarjan Township

F. zargar ✉

H. T. Neshat-Doost, PH.D.

فاطمه زرگر ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران

دکتر حمیدطاهر نشاط‌دوست

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

The difficulties of couples and their families before and after divorce have been studied for many years. The purpose of this study was to investigate the factors involved in divorce such as age, economic, social and cultural variables. Addiction, mental, and sexual disorders in divorced spouses were studied in a Center for Prevention and Decrease of Divorce (CPDD) in welfare organization of Isfahan. Data were collected from all referred cases (424) from march 2003 to march 2005. The results indicated that the most cases were referred to CPDD by Court. It was found that the highest rate of divorce appeal was for women at age of 28 to 31 and for men at 24 to 27 ( $P < 0.05$ ).

Divorce after the age of 35 decreases in both sexes ( $P < 0.05$ ).

The most important factors of divorce appeal were communication problems, addiction, interference of family members, and mental disorder of one or both couples ( $P < 0.05$ ).

چکیده:

آسیب‌ها و مشکلاتی که زوجین و خانواده‌های آنان قبل از طلاق و پس از آن متحمل می‌شوند و عوامل مؤثر بر بروز این پدیده از دیرباز مورد توجه و بررسی بوده است. هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق، از جمله سن، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتیاد، وجود بیماری روانی و جنسی در زوجین متقاضی طلاق در یکی از مراکز پیشگیری و کاهش طلاق سازمان بهزیستی استان اصفهان بود. افراد گروه نمونه شامل ۴۲۴ نفر (۲۱۲ زوج) بودند. روش تحقیق توصیفی بود. بدین منظور اطلاعات مذکور با استفاده از اطلاعات مندرج در فرم‌های مددکاری و مصاحبه‌های روان‌شناختی پرونده‌های کلیه موارد ارجاعی طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ استخراج و با استفاده از آزمون‌های خی‌دو، فی و وی کرامر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد که بیشترین موارد ارجاعی به مرکز پیشگیری و کاهش طلاق، از سوی قوه قضائیه بوده است ( $P < 0.05$ )؛ بیشترین میزان تقاضای طلاق در زنان، در سنین ۲۸-۳۱ سال و در مردان در سنین ۲۴-۲۷ سال بوده است. ضمن آن که تقاضای طلاق پس از ۳۵ سالگی در هر دو جنس کاهش می‌یابد ( $P < 0.05$ ).

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran.  
Tel: +98261-7932500  
Fax: +98311-6683107  
Email: ftmhzargar@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خ هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۰۰ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷  
پست الکترونیکی: email: ftmhzargar@yahoo.com

The results of the present study emphasizes on the fact that youngers are more susceptible to marital problems. Seeking consultation for problems and prevention could decrease the risk of factors leading to divorce.

**Keywords:**divorce,couple, prevenhen.

مهم‌ترین علل تقاضای طلاق به ترتیب شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین بود ( $P < 0/05$ ). نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت سنین جوانی در مردان و زنان به‌عنوان سنین آسیب‌پذیری نسبت به بحران‌های زناشویی، لزوم آگاه‌سازی زوجین به‌خصوص در شهرهای کوچک در زمینه دریافت مشاوره تخصصی در زمان بروز مشکل و پیشگیری یا کاهش عوامل مؤثر بر بروز طلاق از جمله مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت‌های بی‌مورد و نامناسب خانواده‌های زوجین و بیماری روانی زوجین تأکید دارد.

**کلیدواژه‌ها:** طلاق، زوج